

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

۹۸۷۲



دانشگاه شهر

دانشکده مهندسی ساختمان

## رساله پایانی کارشناسی ارشد معماری

عنوان

### کوچ و مسکن کوچ

اساتید راهنما:

دکتر محمد رضا اولیاء

دکتر سید علی اکبر کوششگران

محقق:

کیوان اوژن

۱۳۸۴/۰۷/۲۸

پائیز ۱۳۸۴

۴۶۷۷۴

## سپاس و تشکر

حمد و سپاس خداوند خالق و صالحی را که به مصلحت چشم مرا به دو جهان ایلیاتی (کوچ نشینی) و شهرنشینی (یکجانشینی) روشن نمود و بعد از لمس زندگی آزاد ایلیاتی، مرا به سرزمین یکجا نشینان کوچ داد و این کوچ بود که باعث فهم حقایقی در من شد و اینگونه، رسالت نوشتن این رساله را بر من هموار ساخت.

باید قبل از دیگران قدر دان مدیر افسانه‌ای و ابر مرد تاریخ ایل و کشورم، جناب آقای محمدبهمن بیگی باشم که باعث و بانی کوچ و هجرت، بچه‌های ایلی به شهرها، به منظور آموزش علم و اکتساب دانش بودند.

اما بدون شک، باید از شهر یزد و معلمان و استادان گرانقدر دانشکده معماری شهر یزد بخصوص استاد عالیقدر، جناب آقای دکتر محمدرضا اولیاء سپاسگزار باشم که همواره راهنمای و مشوق اصلی این رساله بودند و ایشان بودند که از همان سالهای اولیه تحصیل مرا در جهت مطالعه و تحقیق در امور مربوط به جامعه ایلی ام رهنمون کردند و اعتماد بنفسم را با تشویق‌های خالصانه شان، قدرت بخشیدند همچنین از استاد ارجمند جناب آقای مهندس کوششگران که در راه طولانی این تز همواره یاور و یار روزهای سخت و راهنمای مشکلات و گرهای کور بودند کمال تشکر و امتنان را دارم.

و از تمامی دوستان بزرگواری که به نوعی در جهت تکمیل این رساله این حقیر را یاری رسانیدند؛ از کسانیکه در نمایشگاه سیاه چادر باع دولت آباد حضور گرم یافتدند و یا دوستانی که در جلسات متعدد هفتگی مرا شاگرد خود ساختند، صمیمانه سپاسگزارم.

و مجدداً خداوند داناو یاری رسان را شکر می‌گوییم که در مدت این چند سال موجبات آشنازی حقیر را با آثار ارزشمند مکتوب دانشمندان ایرانی و غیر ایرانی فراهم ساخت که مطمئناً در تحکیم اعتقادات باطنی و زیادت آگاهی و دانش نگارنده مؤثر بوده است که شرط بندگی نیز حکم می‌کند، این ناقابل را به پیشگاه حضرت دوست که بی شک هر چه هست از اوست تقدیم بدارم، باشد که مورد قبول حضرتش واقع گردد.

کیوان اوژن

۸۴ مهر

## پیشگفتار

مهر ۷۷، درس معماری اسلامی یک، بهانه‌ای برای آغاز نگاهی نو، جو با خریدارانه به محیط و خانه‌ای که سالها در آن زندگی کرده بودم، شد. راهنمایی استاد بزرگوار جناب آقای دکتر اولیاء باعث گردید که در آن ترم، گزارشی تفصیلی از سیاه چادر تابستانه قشقایی، ارائه شود که مورد قبول، تأیید و تشویق واقع شد. این کار باعث شد تا تحقیق و تفحص درباره سیاه چادر و بستر شکل‌گیری اش در ذهن نگارنده بصورت مداوم در جریان باشد، بگونه‌ای که بعد از مدتی، برخی اشکالات آن کار، برایم آشکار شد، این کنکاش دائم ذهنی نکات ریز و درشت دیگری را نیز روشن ساخت، از این‌رو از همان ایام، مصمم به رفع نواقص و ترفیع و تکمیل آن گزارش شدم، ولی فرصت این کار، نهایتاً در رساله پایانی محقق فراهم شد، اما پرداختن به ویژگیهای کالبدی سیاه چادر و بررسی ابعاد مختلف این معماری هرچند موضوع قابل توجهی بود و رضایت استاد را به همراه داشت اما، محقق، خود از درون قانع نمی‌شد که تنها، به مباحثت عینی و عملی این میراث، قناعت شود. این نارضایتی فصلی دیگر را، با عنوان گونه‌شناسی سیاه چادرهای ایران به ساختار رساله افزود، ولی باز گشایش درونی حاصل نشد، که نگارنده به مبانی نظری و چرایی وجود این معماری‌ها می‌اندیشید و به دریایی، فکر می‌کرد که سیاه چادر تنها مرواریدی از آن بیش نبود، لکن به دلایلی، مانند نبودن و نیافتمنابع و شرایطی که با احساس و اندیشه محقق، در تقابل نباشد این گره را همچنان کور نگهداشته بود، تا اینکه لطف خداوندی، اسباب بیان و نشر را مهیا ساخت و جرأت ابراز عقیده را در باب اصالت کوچ نشیستی که چرایی سیاه چادرها نیز توجیه می‌شود را، فراهم کرد. لذا فصلی که به جهان‌بینی و مبانی فکری کوچ‌نشینان می‌پردازد، به آغاز رساله اضافه گشت، فصلی که، توجیه کننده‌ی عوامل و عناصر عینی و کالبدی زندگی کوچ نشینی می‌باشد و نقش و اهمیت جایگاه کوچندگی را، در تاریخ و روزگار امروز بیان می‌کند.

این رساله، سلوک خود باوری و یقین برای محقق بود، همچنین، باعث تعمیق بینش و معرفت در زمینه معماری و طراحی فضای زندگی در نگارنده شد. این رساله علاوه بر اینکه، یک پایان نامه معماری است و دریچه‌ای نو و تازه را از دنیای معماری را بر انسان می‌گشاید، یک کتاب طریقت زندگی است که شیوه «سلامت زیستن» را در طبیعت خداوندی توضیح می‌دهد، لذا می‌تواند قابل استفاده برای دیگران نیز باشد.

فهرست مطالب ..... صفحه

## سپاسگزاری

پیشگفتار

مقدمه

طرح مساله ..... طرح مساله

رسالت رساله ..... رسالت رساله

روش و روند انجام رساله ..... روشن و روند انجام رساله

## فصل اول — کوچ و مسکن کوچ نشین

مقدمه

### بخش اول — کوچ

مقدمه

■ کوچ در لغت نامهها ..... ۳

■ کوچ یا هجرت در اسلام ..... ۴

■ ابعاد کوچ ..... ۵

■ کوچ، کوچ نشین ..... ۶

□ حرکت موجب سعادت و هدایت است ..... ۹

### کوچ نشینی

■ تعریف کوچ نشینی ..... ۱۱

■ قدامت کوچ نشینی ..... ۱۲

■ پیدایش و تداوم زندگی کوچ نشینی ..... ۱۴

۱- در باب مزیت و کیفیت زندگی کوچ نشینی بر یک جانشینی ..... ۱۴

۱۵- کوچ نشینی و ارتباط ..... ۱

۱۷- محبت و گذشت، منشاء زندگی کوچ نشینی ..... ۲

■ کوچ نشینی، زندگی جویندگان بهار (بهشت) ..... ۱۸

■ چادر نشینی نماد تمدن ..... ۲۰

### کوچ نشینی در ایران

■ ایران کشور ایلان ..... ۲۴

۲۵.....	■ افول کوچنشینی در ایران (آروزی سوداگران)
۲۶.....	الف - اسکان اجباری
۲۷.....	ب - اسکان فرهنگی
۲۷.....	■ کوچنشینی فرمانروایی و شکل گیری شهرها
۲۹.....	■ کوچنشینان و یکجاشینان زوج و مکمل هم بوده‌اند
۳۱.....	■ ... و باز، اسکان ، استبداد ، استعمار

## بخش دوم ————— مسکن کوچنشینی

۳۶.....	مقدمه
۳۷.....	■ در قرآن کریم آمده است
۳۸.....	■ کعبه، خانه خدا و خانه کوچنشینان
۳۹.....	■ خانه‌های کوچ نشینان
۴۰.....	■ گونه‌های مسکن کوچنشینان
۴۰.....	۱- سیاه چادر
۴۱.....	توزيع جغرافیایی گونه
۴۱.....	سیاه چادر از زبان کوچنشینان
۴۲.....	قدمت سیاه چادر
۴۲.....	۲- چادرهای پوستی
۴۴.....	۳- چادرهای کلبه‌ای
۴۷.....	سیر تاریخی چادرهای کلبه‌ای
۴۸.....	۴- چادرهای عصر جدید (حوزه شهری)
۵۱.....	- چادرهای چتری
۵۰.....	- چادرهای اسکتدار (برزنی)
۵۱.....	- چادرهای زین اسبی
۵۳.....	- چادرهای وارداتی
۵۳.....	۵- فضاهای فرعی و جانی کوچنشینان
۵۷.....	■ مؤخره فصل اول *

## فصل دوم

### گونه شناسی سیاه چادر های ایران

مقدمه	۵۹
سیاه چادر، خانه دل	۶۰
مشخصات کلی سیاه چادرها	۶۰
گونه های سیاه چادر ایران براساس مناطق جغرافیایی	۶۲
الف - منطقه شرق و جنوب شرق ایران.	
۱ - گدام سه ستونه	۶۳
۲ - گدام ن ، یک ستونه	۶۵
۳ - پلاس	۶۶
۴ - سیاه چادر ایل افشار کرمان	۶۷
ب - منطقه شمال شرقی (خراسان شمالی)	
گین (سیاه چادر ایل زعفرانلو)	۷۰
ج - منطقه شمال غربی ایران (آذربایجان غربی)	
- گون	۷۱
- رشمال یا گن	۷۳
د - منطقه غرب ایران	
دووار	۷۴
م - منطقه جنوب غرب ایران	
۱ - بهون یا بوهون	۷۷
۲ - صفحه یا خیمه	۷۸
ن - منطقه مرکزی ایران (حوزه جنوب اصفهان)	
خیمه عرب نصرآباد	۸۰
و - منطقه شمالی ایران (حوزه رشته کوه های البرز)	
۱ - گوت، سیاه چادر ایل سنگسری	۸۲
۲ - قلا چادر (عشایر فیروزکوه)	۸۵
۳ - سیاه چادر الیکابی، گرمزار	۸۶
ه - منطقه جنوب ایران	۸۹

## فصل سوم

### قره چادر ایل قشقایی

■ مقدمه	94
■ قشقایی و خانه‌قشقایی	95
■ خانه‌قشقایی‌ها (واژه‌شناسی)	96
۱- قره چادر قشقایی در نیم نگاه کلی	96
۲- مدیریت تهیه و تولید قره چادر	97
۳- شناخت عناصر و اجزاء قره چادر	98
الف - بافت‌های شده‌ها یا بافت‌نی‌ها	98
۱-الف - ۳ : سقف	98
۲-الف - ۳ : ماهار (مهار)	101
۳-الف - ۳ : حلقة خلال گیر	102
۴-الف - ۳ : لفها یا گرمن‌ها	103
۵-الف - ۳ : پاچه‌بند	104
۶-الف - ۳ : قاپولوچ	105
۷-الف - ۳ : پرده‌ها	107
□ نحوه استفاده و محل نصب پرده	108
□ انواع پرده	108
۱- پرده آویزی	108
۲- پرده رولی یا لوله‌ای	109
□ جنس و رنگ پرده	111
۱-الف - ۳: طناب‌ها	111
الف - طناب‌های اصلی (طنف)	112
نحوه تهیه طنف	112
ب - پاچه بند	113
ج - ماهار	114
د - پایه پیچ	114
۱-الف - ۳: چیق‌بافی (چیغ یا چخ)	115
آق چیغ یا چیغ	115
آل‌چیغ	116

۱۱۷	○ اجزاء متشکله آلاچیغ
۱۱۸.	○ نحوه و طرز بافتن آلاچیغ
۱۲۰	آلاچیغ در ایلات دیگر
۱۲۱	ب - صنایع چوب در قره چادر
۱۲۲.	۱-ب - ۳: پایه‌ها (ستون‌ها)
۱۲۲.	۲-ب - ۳: میخهای چوبی
۱۲۳.	هرکه
۱۲۳.	۳-ب - ۳: شیش (خلال چوبی)
۱۲۴.	۴-ب - ۳: حلقه‌های اتصال چوبی
۱۲۶	□بورد و قاروم
۱۲۸	۴- مکانیابی و استقرار قره چادر
۱۳۰	۵- افراشتن و برچیدن قره چادر و حمل و نقل آن
۱۳۰	۱-۵: برپایی و افراشتن قره چادر
۱۳۰	۱-۱-۵: نحوه برپایی فرم تابستانه قره چادر
۱۳۳	۱-۲-۵: نحوه برپایی فرم زمستانه قره چادر
۱۳۴	۱-۵-۵: برچیدن و حمل و نقل قره چادر
۱۳۵	مراحل برچیدن قره چادر
۱۳۷	۶- سازه سیاه چادر قشقاوی
۱۳۸	مقدمه
۱۳۸	□سازه قره چادر
۱۳۹	□تشریح و آنالیز قره چادر
۱۳۹	○ سقف
۱۴۱	○ پایه ها
۱۴۴	۱- یک مقایسه
.۱۴۴.	۲- طناب و میخها
	۷- مبلمان و نحوه چیدمان اثاثیه درون قره چادر
۱۴۶	□درون و برون قره چادر
۱۴۶	□مبلمان و نحوه چیدمان قره اثاثیه قره چادر تابستانه
۱۴۷	۱- یک
۱۴۸	۲- بوجاق

۳-عرض سمت چپ بوجاق.....	۱۵۰
۴-قسمت مرکزی و اصلی فضای درونی قره چادر.....	۱۵۰
۵-آویزه ها.....	۱۵۰
□ مبلمان و نحوه چیدمان اثاثیه قره چادر زمستانه.....	۱۵۱
<b>۸-فضاهای، عملکردها و رفتارها در قره چادر قشقاوی.....</b>	
مقدمه.....	۱۵۲
فضاهای اندرلونی قره چادر.....	۱۵۲
فضاهای جانبی قره چادر.....	۱۵۶
۰. قاپو.....	۱۵۶
۰ قاپوی قشقاوی و عالی قاپوی اصفهان.....	۱۵۸
۰. فضاهای جناحین قره چادر.....	۱۶۰
الف - جناح راست قره چادر.....	۱۶۰
ب - جناح چپ قره چادر.....	۱۶۱
۰ فضای پشت قره چادر.....	۱۶۱
<b>۹- تنظیم شرایط محیطی و قره چادر.....</b>	
مقدمه.....	۱۶۳
۰ قره چادر و بارش.....	۱۶۳
۰ قره چادر و آسایش گرمایی در زمستان.....	۱۶۵
۰ نور(تمامین نوردر فضای اندرلونی قره چادر ) .....	۱۶۶
۰ باد و نسیم و قره چادر.....	۱۶۶
بادهای مزاحم و قره چادر.....	۱۶۷
نسیم و باد مطلوب در قره چادر.....	۱۶۸
۰ سایه و آفتاب در قره چادر.....	۱۷۰
آفتاب و قره چادر در تابستان.....	۱۷۰
قره چادر و آفتاب زمستان.....	۱۷۲
<b>نتیجه و خلاصه کلام.....</b>	
<b>۱۰- تناسبات و هندسه قره چادر.....</b>	
۰ تناسب اجزاء قره چادر با کوچ.....	۱۷۳
۰ هندسه و تناسب فرمی قره چادر و مقیاس انسانی.....	۱۷۴
- هندسه قره چادر .....	۱۷۵
ارتفاع یا بلندی قره چادر.....	۱۷۵
طول و عرض قره چادر.....	۱۷۶
۰ تناسب اجتماعی و قره چادر.....	۱۷۷

۱۷۸.....	خلاصه کلام
۱۷۹.....	۱۱- باورها و قره چادر
۱۸۱.....	۱۲- انسان، طبیعت، قره چادر
۱۸۵.....	مؤخره فصل سوم
۱۸۷-----*	* نتیجه گیری و پیشنهادات

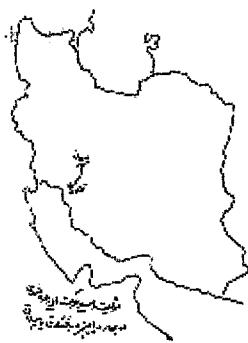
#### فصل پیوست

۱۹۱.....	پیوست ۱: گزارش باغ دولت آباد
۱۹۹.....	پیوست ۲: بازدید از بم و چادرهای امدادی
۲۰۱.....	پیوست ۳: دیگران چه کرده اند؟
۲۰۳.....	پیوست ۴: اسکان موقت و نابودی قره چادر
۲۰۵.....	فهرست تصاویر
۲۱۲.....	منابع و مأخذ
۲۱۵.....	کتاب شناسی

## مقدمه

### طرح مساله

۱- مشتلوق به معنای مژدگانیست



در پاییز ۵۷، بعد از سالها انتظار تولد پسر، من بدنبال آمدم اطرافیان از پدرم که در کوچ پاییز به سمت قشلاق بود . مشتلوق‌ها(۱) گرفتند، آن روزها هنوز از ایل گردی به پا می‌خواست. و کوچ برقرار بود و دوستی و عشق رونق داشت. دوران کودکی‌ام بهترین دوران زندگیم بود. نمی‌دانم روزها چگونه می‌گذشتند. خاطرات به یاد مانده‌ام شاید از حدود ۲ سالگی‌ام باشد، بچه‌ای شیطان و شیرین و ماجرا جو بودم و این بدلیل طبیعت زیبا و فرح‌بخش آن دیار بود. اکنون نیز هر موقع به یاد آن سالها می‌افتم دلم خنک می‌شود و بی اختیار برلبانم لبخندی نقش می‌بنند. دوران خوش زندگی در ایل تا ۱۱ سالگی یعنی سال ۱۳۶۸ بیشتر به طول نینجامید چرا که برای تحصیل در مقطع راهنمایی باید راهی شیراز می‌شدم چرا که در آزمون ورودی مدرسه شبانه روزی نمره قبولی را آورده بودم. پدر و مادر خوشحال از این موفقیت و من ناراحت از اینکه باید ترک وطن کنم.

خدا می‌داند چقدر سخت بود ترک وطن، مرا به زور به شیراز آوردند، چندین بار در شیراز به این خاطر که شرایط برایم غیر قابل تحمل بود. اقدام به فرار کردم. از همان روز ورود به محوطه مدرسه، شگفت زده بودم که خدایا چگونه می‌شود، در اینجا درس خواند. مگر در این شلغوی و تجمع می‌شود مطالعه کرد؟ چگونه ۱/۵ ساعت یا بیشتر را باید در درون یک چار دیواری بعنوان، «کلاس» نشست و به صحبت‌های معلم منفعانه گوش داد؟ به طور کلی آنجا جز زندان، هیچ معنی و مفهومی برایم نداشت تا اینکه در سال سوم، بتدریج با شرایط جدید عادت کردم و بالاخره شهرنشین شدم. پیش تر در محیطی باز، وسیع، سرسبز و کوهستانی، تفرج کنان درس می‌خواندم . هیچ موقع بیشتر از نیم ساعت در محضر معلم حاضر نبودم، سرانه محیط آموزشی ام، هكتارها زمین گسترده بود که از درخت سدر و گلخن و بنه و بلوط و صخره و رودخانه و چمنزار و غیره پر بود. و بیلاق آنرا، چمنزار و بوته و گیاهان خوشبوی و معطر و چشممه و قنات های سرد و باغ‌های سیب و گلهای محمدی پر کرده بود.

شباهای تابستان را درون چادر می‌خوابیدیم که ستاره‌ها از پشت روزنه های آن چشمک می‌زدند، هر شب مسیر کهکشان راه شیری را با شباهای قبلی مقایسه و حرکت شهاب‌سنگ را به افتادن ستاره آنی که می‌میرد، تمثیل می‌کردیم و ستاره‌های خودمان را به همدیگر نشان می‌دادیم و از ستارهء شب بیست و یکم

ماه می ترسیدیم ، در فصل تابستان ، با برپایی سیاه چادر دل همه شاد می شد، زیبایی سیاه چادر، سر عجیبی داشت، که همه را در ایل، شیفته خود می کرد ، هر کسی به داشتن سیاه چادر بزرگ و وسیع ش افتخار می نمود. و شاید این سحر سیاه چادر بود که مرا در طول تحصیل دانشگاهی ام واداشت تا دوباره در باره آن تامل و تحقیق نمایم. بو شtar حاضر نتیجه این تحقیق است.

همچنین همراهی با ایل در موسم کوچ، مسحور کننده بود. همیشه با پدر و مادر، بر سر رفتن به همراه ایل جزو بحث می کردم. من عاشق رفتن بودم و آنان، مرا از خطر راه می هراسانند و مانع رفتنم می شدند.

متأسفانه تنها یکبار، یاد دارم که در کوچ بهاره همراه ایل شدم و آن در سن ده ، یازده سالگی بود، چه افتخار بزرگی، چه سفر خاطره سازی بود! هر چند به دلیل بچه بودن همیشه سوار ماشین می شدم و منزل به منزل، تنها نظاره گر همسفران کوچ بودم، ولی در هر منزل، بهاری نو و بهشتی دوباره را تجربه می کردیم. وجود خطرات، زیبایی آنرا افزون می کرد، مگر نگفته اند؛ که «هر که خبریزه بخوره پا لرزش هم وايسه؟» و یا اینکه «تابرده رنج، گنج میسر نمی شود» هر چند که رنج همزاد آدمی است.

من به شهر آمدم، شهرنشین شدم، چرا که دوست داشتم روزی مهندس شوم. این دوران ، غالب عمر مرا شامل می شود. ۷ سال زندگی در شیراز دوران تحصیلات متوسطه و راهنمایی، و حدود ۹ سال در یزد به جهت تحصیل دانشگاه که در مقایسه با مدت زندگی ام در ایل ، قابل ملاحظه است. هر چند بدليل ریشه ایلیاتی ام هر از گاهی را در ایل و در ییلاق بسر می بردم و یا اوقات تعطیلات سال را به ایل می رفتم ، تا در آنجا به لحاظ روحی و روانی تغذیه شوم؛

**هر کسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش**

مولانا

این زندگی معلم ، آموزگار و آموزشگاه بزرگی برایم بود. دوران اولیه تحصیل دانشگاه، اوج دوستی با شهر بود چرا که شهر، عزت و مقام برایم هدیه میداد، در آنجا مهندس می شدم؛ و مردم ایل با احترام قابل ملاحظه ای با من مواجه می شدند. شهر و زیبایی هایش حسابی مرا شیفته خود ساخته بود، سالهای اولیه به تندی گذشت. در این سالها، تجربیات فراوان و متعددی حاصل شد؛ از دوستی ها و از تنهایی های زندگی شهری ، از شبها و از روزهای شهر ، از ترافیک و از آلودگی های آن ، از مشکلات زندگی مستأجری و دانشجویی، از کار و بیکاری و غیره کوله باری از آموزه و تجربه فراهم آوردم. این تجربه ها ، زیبایی

زندگی ایلی را برایم پررنگ و زیبایی‌های ظاهری شهر مقصود را، در خاطرم کمرنگ ساخت، و اینگونه بود که با تشویق استادی کم نظری و عالم، به مطالعه درباره معماری کوچ (سیاه چادر) را پرداختم. کوشیدم تا مشهودات و تجربیاتم را مستند و مکتوب سازم، و گوشه هایی از قابلیت ها و ارزشها مدرج در زندگانی عشاپیری را در اختیار اهل خرد و تحقیق قرار دهم و از بی مهری ای که به اینگونه زندگی شده است، پرده بردارم. تجربیات متعدد و مختلف زندگی، حسی را در من بیدار ساخت که؛ کوچ نشینی همان مدینه فاضلهای است که خیلی‌ها آرزوی آنرا داشته اند و دارند. چرا که به عینه دو جامعه متفاوت را از نظرساختار، محتوا و معانی، از ابعاد مختلف از نزدیک تجربه کرده بودم که در این قیاس تمدن ایلی، به لحاظ شکل و مضمون برتری داشت.

عشق و محبت، دوستی و گذشت، مردانگی و وفا، شادابی و نشاط، عفت و عصمت، که در زندگانی شهری وبه ظاهر تمدن به صورت اکسیر درآمده است، در تمدن ایلیاتی موج می‌زند. در شهرها وزندگی شهری، دوستی‌ها معمولاً بُوی منفعت می‌دهند. فضلی شهری، در وجه غالب، مملو از بینش و نگرش مادی گری است. آنچه را در شهر یافتم، جز سایه ای مبهم و معکوس از گوهر وجود خر زندگانی ایلیاتی نبود. بعنوان مثال، استرس و افسردگی، از مضلات جوامع شهری درآمده است، در حالیکه شادابی و نشاط، مشخصه بارز مردم جوامع ایلی و عشاپیری است. شاید فقر معنویت و افسردگی ناشی از آن، که در جوامع یکجانشین بظاهر پیشرفت‌به بصورت معضل درآمده، به خاطر این باشد که آنها، کوچ را از یاد برده‌اند. که صدای خنده آب روان را می‌توان شنید ولی از آب برکه، صدایی برنمی‌خیزد و تنها، بُوی ماندگی از آن به مشام می‌رسد.

اسکان عشاپیر، با هدف ارتقاء امکانات مادی و رفاهی! آنها برنامه ریزی و به اجرا در می‌اید. در حالیکه تمامی داشته‌های معنوی و مثبت کوچ نشینی نادیده گرفته شده و هیچ تلقی گردیده است و با وجود تجربه‌هایی در این زمینه، که معمولاً عشاپیر اسکان یافته، به کلی از نظر فرهنگی و معنویت به انزوا رفته و پایمال شده‌اند. متأسفانه هنوز در اسکان یافتن کوچ نشینان، اصرار و اجراب می‌شود. و گاهًا شرایطی برای از بین رفتن آنان فراهم می‌گردد، که جای تعجب و شگفتی دارد!

رسالت رساله حاضر، شناسایی، معرفی و تبیین ارزش‌های مندرج در جامعه کوچ نشین و بر ملا کردن حقانیت آنهاست. نگارنده اعتقاد دارد که بر خلاف تصور بعضی‌ها، کوچ نشینی، تنها وسیله ای برای و تأمین معاش و گذرانیدن

زندگانی مادی نیست؛ بلکه «کوچیدن» یک ایدئولوژی و جهان بینی است که زندگی توان با حرکت، مبتنی بر شهودوپویایی، از آن نشات میگیرد.

کوچ نشینی شیوه زیستی است که در آن انسان همراه طبیعت به بهار طبیعت کوچ می‌کند، لذا محل زندگی کوچ نشین، پنهانه طبیعت خداوندی است و، « قادر » مهمترین عنصر معماری آثارنا تشكیل می‌دهد. قابلیت جابحایی، ارزانی، سهولت تولید، مرمت پذیری، عدم وابستگی، مقاومت دربرابر زلزله، مونتاژ پذیری، از جمله مزایای این خانه هاست که معمولاً در برنامه ریزی مسکن، که از بالا اعمال میگردد، نادیده گرفته می‌شود. فراموش نکنیم که این «شکل» از خانه مبتنی بر «مضمون» متعالی و مقدس هجرت است. همان مضمونی که مبنای تاریخ تمدن و تفکر اسلامی است.

آنچه که در سطور گذشته ذکر شد، موضوعاتی است که در فصل اول رساله بدان پرداخته می‌شود. و فصل دوم و سوم رساله به شناخت و معرفی سیاه چادرهای ایلات ایران که قره چادر ایل قشقایی یکی از آنهاست که به صورت «مطالعه موردی» (case study)، درباره آن با تأمل بیشتری تحقیق شده است. شایان ذکر است که، در مهر ۷۷ گزارشی درباره قره چادر قشقایی در قالب درس معماری اسلامی یک توسط نگارنده ارایه گردید که شروعی برای این رساله تلقی میگردد.

ارتباط فصول سه گانه بصورت ارتباط کل به جزء تعریف گردیده به نحوی که ارزش و اعتبار فصول دوم و سوم نسبت به فصل اول بیشتر نمایان گردد. با این امید که سیاه چادر صرفاً به عنوان نوعی میراث فرهنگی و تاریخی به موزه‌ها سپرده نشود. تلاش نگارنده آنست، تالازبایگانی شدن یکی از قدیمی‌ترین، پرمumentرین، مردمی‌ترین و در عین حال مظلومانه ترین شکل زندگی، در سرزمین ایران، پسشگیری کند، و پیش از آنکه غبار فراموشی، به طور کامل، آنرا فرابگیرد، شکل و مضمون مقدس سیاه چادر را غبار روی نموده، گوهر اندیشه‌ء مولد آنرا، در حد توان ناچیز خود، بازشناسی و به نسلهای آینده، اهداء نماید.

بدیهی است، اینگونه اقدامات بنیادین علمی و فرهنگی، جز با یاری خداوند متعال و مساعدت مادی و معنوی سازمانهای ذیربسط، شخصیت‌های فرهنگی علاقمند به فرهنگ و تاریخ ایران زمین، راه بجایی نخواهد برد. از درگاه حضرت دوست، یاری می‌طلبم و یاری همه یاران را به جان و دل می‌خرم

والسلام

کیوان اوژن

۱۳۸۴ پائیز

## ضرورت انجام رساله (رسالت رساله) (۱)

۱- تدوین این قسمت لطف جناب آقای دکتر اولیاء بوده است.

این رساله فوائد زیر را در پی دارد و ضرورت انجام آن را ایجاد می کند:  
الف) آگاهی معماران، شهرسازان و برنامه ریزان امروزو فردا از یکی از الگوهای زندگی توان با حرکت به عنوان بخشی جدا نشدنی از مواریث فرهنگی کشور.

ب) فوریت تدبیر درباره اقدامات حفاظتی ، به علت خطرات فزاینده ای که الگوی یاد شده را در معرض تهدیدات جدی قرار داده است.

ج) چاره اندیشی درباره حل مشکلات کوچندگان به جای اسکان دادن آنها که به نوعی پاک کردن صورت مسئله است.

د) بازشناسی و معرفی یک نمونه از سازه های سبک و متحرک به عنوان بخشی از تاریخ مهندسی در ایران.

ه) پیشکنی از تباہ شدن نوعی از دانش و فن کهن وریشه دار در تاریخ و جغرافیای ایران که امروزه به عنوان دانش های بومی شهرت یافته است.

و) استفاده از الگوی سیاه چادر در طراحی های محیط جدید در مقیاس معماری، شهر سازی، برنامه ریزی ملی و منطقه ای.

ز) بهره گیری از الگوی سیاه چادر در حل مشکلات مربوط به اسکان موقت پس از وقوع بحرانهایی نظیر سیل، زلزله، جنگ و نظایر آن.

\* استفاده از الگوی سیاه چادر به هنگام مسافرت به ویژه سفرهای تحقیقاتی دانشجویان رشته های گوناگون به منظور در هم شکستن چهار دیواری دانش-گاه و گسترش «گاه دانش» به پهنه سرزمین ایران.

\* کوشش برای باز تولید یکی از شیوه های تولید دیر پای معماری سنتی ایران که ایجاد اشتغال و عدم وابستگی ، مهمترین ویژگی آن است.

ح) تولید معلومات پایه، برای تحقیقات بعدی دانش پژوهان رشته های معماری، برنامه ریزی شهری و منطقه ای، مردم شناسی، جامعه شناسی، مهندسی عمران، مهندسی نساجی، منابع طبیعی، جغرافیا، تاریخ و نظایر آن.

ط) زمینه سازی برای تعمیم و تکمیل وبالندگی این گونه الگوی سکونت و در نتیجه پویایی آن.

ف) باز شناسی الگویی از زیستن ، که تجربه دگر باره آن، می تواند، جهانی دیگر را فرا روی نسل های حال و آینده قرار دهد و آنها را از اسارت در محیط های مصنوع نجات دهد و زمینه را برای جاری شدن انسان در پهنه طبیعت فراهم سازد واو را دگر باره ، با آیات گونه گون الهی آشتی دهد.

## روند و نحوه انجام رساله(روش تحقیق)

این رساله در باب موضوعاتی است که بیشتر عوامل ایجاد کننده آن ، از دیدگاه جهان نگری جدید مطرود و قدیمی شده است به نحوی که علوم جدید، بسیاری از اعتقادات و فولکوریک جامعه عشاپیری را خرافه تلقی می کند. لذا، مطالعه موضوع «کوچ» و کوچ نشینی و عوامل و عناصر مربوط به آن روشن دیگری را می طلبد. جامعه‌ای که علم آمار، در آنجا اعتباری ندارد. چگونه می توان اعتقاد به «برکت» را با علوم کمی گرایانه جدید، تعریف و توصیف نمود. لذا مطالعه این محیط فکری و بستر و آنچه در این بستر شکل گرفته، براساس روش های کمی جائز نیست و نگارنده بعنوان عضوی از این جامعه نیز نخواست و نتوانست از شیوه‌های معمول تحقیقات کمی، در تحقیق استفاده کند. بنابراین روش تحقیق این رساله را خود موضوع فرا رومی نهد که لزوما می بایست از دل تحقیق، بیرون کشیده شود. از آنجا که موضوعات و مباحث مطرحه در این رساله، معمولاً نو و دست اول می باشند ، لذا محقق را و می دارند ، تا مطالب به گونه‌ای ارائه شوند که حتی الامکان استفاده از آن برای علاقمندان ناشنا با فرهنگ کوچندگی آسان و قابل درک باشد.

این رساله در سه فصل تنظیم شده است. سه فصل مذکور در عین اینکه می توانند بصورت مجزا و جداگانه مورد استفاده قرار بگیرد، به نحوی باهم مربوطند و یک رابطه کل به جزء میان آنها وجود دارد.

در فصل اول، به شناخت بستر شکل گیری معماری متحرک و مباحث مربوط به کوچ نشینی پرداخته می شود. در این فصل ، به کوچ نشینی شیوه ای از زندگانی پرداخته میشود که تنها تامین کننده معاش و حیات مادی نیست؛ بلکه از جهان بینی ای برخوردار است که بر پایه اعتقاد به مبداء و معاد استوار گردیده که نحوه زندگی را تعریف و بیان می دارد. در فصل دوم و سوم به معماری ظهور یافته در این فضای فکری پرداخته می شود. در فصل دوم به مطالعه و معرفی گونه‌های مختلف این نوع معماری (سیاه چادرهای ایران) پرداخته می شود که البته محدودیت زمان ، امکانات و توان محقق در نحوه پردازش مؤثر بوده است. و فصل سوم ، به مطالعه موردنی (*case study*) یک گونه معماری قره چادر (سیاه چادر قشقایی) پرداخته میشود. شیوه ارائه این فصل سعی شده به منظور سهولت استفاده برای علاقمندان، مخصوصاً دانشجویان معماری عناوین موردنرسی، همان عناوین درس‌ها و تمرین‌های دانشگاهی انتخاب شده‌اند.

منبع اصلی و غالب رساله حاضر، مشهودات، تجارب، یافته‌های علمی و غیر علمی محقق می‌باشد که در طی دوران زندگی و یاد ر جریان تحقیق حاصل شده است. به منظور تحکیم و اثبات مدعای سعی شده به منابع مکتوب دیگر استناد و به آیات قرآنی استشهاد شده است. و به منظور حفظ پیوستگی مطالب از آوردن نقل قول‌ها، در متن اصلی کمتر استفاده شده است، لذا بیشتر روایتها در حاشیه متن گنجانیده شده اند. همچنین سعی فراوان گردیده تا از نگارشی ساده استفاده شود. بدیهی است این سادگی ملهم از سادگی دنیای ایلیاتی است و با آن تقارن و تناسب دارد که به نوعی رعایت و حفظ "اصل تناسب" می‌باشد. به طور کلی در این رساله، محقق سعی کرده، و وظیفه خود دانسته، تا یکی از مباحث و موضوعات مهم و حیاتی فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران را که در زمانه ما در حال فراموشی است، مطرح و در قالب رساله نهایی کارشناسی ارشد معماری، تنظیم و ارائه کند. با این امید که برای همه مردم بویژه جامعه معماران ارزنده و مفید باشد. بدیهی است بدلیل تازگی و نو بودن این گونه رویکرد تحقیقاتی، کم و کیف مطالب مطروحة خالی از اشکال نیست و تا کامل شدن راه دور و درازی در پیش است.

آب دریا را اگر نتوان کشید  
هم به قدر تشنگی، بتوان چشید.

## فصل اول

# کوچ و مسکن کوچ

---

**مقدمه:**

فصل اول در دو بخش ارائه می گردد؛ کوچ و مسکن کوچ نشین  
بخش اول یعنی کوچ، نطفه و مبانی نظری بخشها و فصلهای بعدی این رساله است، و بخش دوم مسکن متحرک کوچ نشینان، که متأثر از جهان بینی وايدئولوژی کوچ نشینی، شکل گرفته و به گونه هایی عینیت یافته است، لذا این فصل به عنوان یک مبانی و مرجع کلی، کلیه قسمتهای این رساله را احاطه کرده و معنا می بخشد و با به تعبیری، می توان فصل اول رامباحث تئوری و ذهنی وصول دوم و سوم رامباحث عملی و عینی تر عنوان نمود.

## بخش اول:

# کوچ



### مقدمه:

در این بخش به معانی کوچ و نقش آن در زندگی و تاثیر مادی و معنوی آن بر آدمی و از آنجا که بحث بر زندگی به شیوه کوچ است که مقابل زندگی به شیوه یکجا نشینی راست به این بعد، پرداخته می شود و اینکه چه جایگاهی داشته، در طول تاریخ چه سیری را طی کرده و امروز به چه سرنوشتی دچار آمده است و همچنین رابطه این دو شیوه زیستی با هم چگونه بوده و حال چگونه است.